



گفت‌وگو
شیوانوروزی
روزهایی که رزمندگان ایران در جبهه‌های جنگ

با دشمن یعنی می‌جنگیدند، مردم منطقه جنگ زده چوار از توابع استان ایلام برای تماشای یک بازی دوستانه نزدیک به جبهه‌های جنگ بودند اما هرگز شهر خود را فراموش کنند اما بمب‌های دشمن ۵۵ دقیقه بیشتر به مردم مهلت نذت بردن از فوتبال را نداد. حادثه زمین فوتبال چوار پس از سال‌ها فراموشی حال‌در لیگ برتر نیز گرامی داشته شده و هفته بیست و دوم نیز به یاد شهدای چوار برگزار می‌شود. به همین مناسبت پای صحبت‌های دکتر حجت‌اله هاشمی‌بیگی، رئیس هیئت مدیره باشگاه «شهدای چوار ۶۵» که نقش اصلی در شناساندن حادثه رخ داده داشته است نشستیم.

جزئیات حادثه زمین فوتبال چوار در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر حجت‌اله هاشم بیگی، رئیس هیئت مدیره باشگاه چوار «۶۵»:

از حادثه چوار بگوئید و اینکه بر مردم این منطقه در بهمن ۶۵ چه گذشت؟
در سال ۶۵ استان ایلام به عنوان یکی از استان‌های مرزی به شدت درگیر جنگ بود. مردم این استان به رغم اینکه یکی از مناطق نزدیک به جبهه‌های جنگ بودند اما هرگز شهر و دیار خود را ترک نکردند. شهر چوار در هشت کیلومتری ایلام واقع شده و در آن دوران از آنجا که ایلام از نسوی دشمن دائماً بمباران می‌شد مردم این شهر هم به چوار و کوه‌های اطراف ایلام پناه می‌آوردند. شرایط جنگی شهر به گونه‌ای بود که مردم هر روز شاهد شهادت و جانباز شدن همشهری‌های خود بودند.

در بحبوحه جنگ هدف‌از تشکیل تیم فوتبال چه بود؟
هدف‌از تشکیل این تیم روحیه دادن به مردم جنگ زده بود. هدف دیگر افزایش اتحاد و انسجام بین مردم بود، چراکه علاوه بر مردم چوار، از سایر شهرها نیز به چوار می‌آمدند. زودمدگی‌ا در منطقه وقتی با تیم‌هایی می‌گشتند فوتبال بازی می‌کردند تا نشاط را بر همه هدیه دهند. مردم نیز از چادرهاشان بیرون می‌آمدند و با تماشای فوتبال سرگرم می‌شدند. چون غیر از فوتبال هیچ سرگرمی دیگری نداشتند. از طرفی‌ا در آندها اعضای تیم چوار هر جایی که شهید هزراه جوانان راه یاگاه‌های بسیج و مسجدوصل می‌کرد، ساکنان شرایط سخت، زندگی جریان دار، مردم متحد هستند و امید به زندگی دارند. اعضای تیم چوار هر جایی که در ایلام بمباران می‌شد به سرعت به کمک مردم می‌رفتند.

در آن زمان سن زیادی نداشت‌ ولی خاطرات زیادی از جنگ دارم و خیلی وقایع را نیز از بزرگان و بازمانده‌های آن حادثه شنیدم. خاطرم است وقتی در چادر اطراف چوار زندگی می‌کردیم با مینی بوس‌های صلواتی یا پای پیاده چهار پنج کیلومتر می‌آمدیم تا به زمین فوتبال

بازی فوتبال: بازی فوتبال، بدون شک یکی از مفرح‌ترین و هیجان‌انگیزترین تفریحات سالم دنیاست، اما نه برای عده‌ای که خاطرآستان از فوتبال به یک بازی نیمه کاره ۵۵ دقیقه‌ای ختم می‌شود که به جای سوت داور، با بمباران هواپیماهای عراقی و به خاک و خون کشیدن جوانانشان به پایان رسید.

رزمند‌های که در چمن فوتبال به شهادت رسید: حسین هزراه، بخشدار چوار، پاسداری بود که بارها به جبهه رفته بود. هواپیماهای عراقی که می‌آیند، مدام این طرف و آنطرف می‌رود و فریاد می‌زند که روی زمین دراز بکشید و در چاله‌های اطراف سنگر بگریز. وقتی کمی دود ناشی از بمباران به آسمان می‌رود، هزراه به سمت دروازه ایلام و علی، پسر پنج‌ساله‌اش می‌دود. علی هم همزمان به سوی پدر می‌دود که در این حین تر کشی به هزراه بر خورد می‌کند و او نقش بر زمین می‌شود و علی زمانی که به پدر می‌رسد، روی پیکری جان او می‌افتد.

کودکان در خاک و خون غلغلیته: زمین فوتبال چوار سه شهید خردسال هم دارد. سجاد مظفری پنج‌ساله که به همراه برادرش محمد جواد هفت‌ساله و پسر عموش خلیل همت‌ساله برای تماشای فوتبال راهی ایلام شده بودند اما هرگز برنگشتند. پدر خلیل از زمین فوتبال چوار به عنوان قبله یادی می‌کند و می‌گوید دوست دارم همیشه روم، به این زمین باشد صنای بمباران او راه محل حادثه می‌کشند تا زخمی‌ها راهی بمباران و پناه‌مانده‌ها به خانه می‌گردند خلیل را پدینا نمی‌کند. او بعد از ۲۴ ساعت جست‌وجوی می‌شوند پسر در معراج شهادت که کسی به دنبالش نیامده است! کودکی که روی سینه یکی از شهدا آرام گرفته بود.

آخرین عکس زندگی: امجد حیدری ۱۳ ساله‌ا از تماشاگران بازی بود. امجد همیشه به همراه دوستانش برای جمعی‌وری کمک‌برای رزمند‌ها به محله‌های مختلف می‌رفت و پول توجیبی‌اش را نیز روی آن می‌گذانست و به مدیر مدرسه می‌داد. عکس‌های امجد کنار تیرک دروازه ایستاده و دست‌هایش را روی گوشش گذاشته بود که کشی از پشت، به قلبش می‌خورد. شاید اگر دراز کشیده بود، آسیبی نمی‌دید. او پیش از شهادت عکسی می‌گیرد برای مدرسه که همان می‌شود عکس مزارش.

شهید جبهه ندیده: مرد آزاد خشن ۱۵ ساله هم

برسیم و بازی بازیکنانی چون شهید مجتبی ناصری، شهید یونس تلوکی و سایر فوتبالیست‌های شهرمان را تماشا کنیم. ۲۲ بهمن سال ۶۵ بعد از اینکه مردم در راهیمیایی شسر کت کرده بودند همانجا هماهنگی‌های لازم برای برگزاری بازی دوستانه بین تیم منتخب چوار و منتخب جوانان ایلام به مناسبت پیروزی انقلاب و گرمیاداشت یاد شهدا در روز ۲۲ بهمن انجام شد.

پنج‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۶۵ (فوری ۹۱۸۷) ساعت چهار بعدازظهر بازی شروع شد. مثل همیشه شهید هزراه قبل از بازی به همه می‌گوید که زیاد سرگرم بازی نشوید و با همه هماهنگ می‌کند که اگر جایی بمباران شد سریع فوتبال را قطع کنند و به کمک مردم بروند. غافل از اینکه زمین فوتبال چوار بمباران خواهد شد. در نیمه اول بازی تیم ایلام دو گل می‌زند. جعفر نورمحمدی و شهید محمد کمالوند زنده دو گل بودند. نیمه دوم که شروع می‌شود شهید هزراه که هم سرمربی تیم چوار بود و هم بازیکن، هم کاپیتان و هم بخشدار چوار با یک شوت از راه دور یکی از دو گل خورده را جبرئیل می‌کند. باین گل هواداران چوار حسایی به وجد می‌آیند. در این گیروباد در دقیقه ۵۵ تیم ایلام صاحب یک ضربه کرنر می‌شود. تصور کنید بازیکنان در محوطه جریمه منتظر زدن کرنر بودند که دو هواپیما عراقی چوار را بمباران می‌کنند و آن کرنر نیز هرگز زده نمی‌شود.

در این حادثه چند نفر از فوتبالیست‌ها و تماشاگران شهید شدند؟

۹ بازیکن، یک داور و پنج تماشاگر شهید و ده‌ها نفر نیز در اطراف زمین مجروح می‌شوند. تعداد جانبازان نیز به قدری زیاد بود که آمار دقیقی در دست نیست. دلمان می‌خواهد در تاریخ ثبت شود فوتبالیست‌هایی که عاشق فوتبال بودند به عشق مردم منطقه خود بازی کردند. در دهمان باقی مانده است که یک مسابقه فوتبال فقط ۵۵ دقیقه‌اش برگزار شد و ۳۵ دقیقه‌اش ابدی شده است. همیشه به این فکر می‌کنیم که آن بازیکنان کجا هستند که دقیق باقی

مانده را بازی کنند. این بغضی است در گلو‌ی مردم منطقه چوار. در آن روزها ما شهید و جانباز زیاد دیدیم اما داغ حادثه فوتبال چوار از همه داغ‌هایی که دیدیم سنگین‌تر است. سال ۸۷ خیلی‌ها برای شناساندن حادثه چوار با ما همکاری می‌توانست‌بکی از ورزشگاه‌های ایران باشد. تقاضای ما از گفتم که این واقعه را تا فیفا خواهیم برد.

بعد از آن اتفاق برای زنده‌نگه داشتن یاد شهدای چوار چه اقداماتی صورت گرفته است؟

واقعیتش این است که از سال ۶۵ تا سال ۸۷ این واقعه فراموش شده بود. ۲۲ سال کسی سراغ حادثه چوار را نمی‌گرفت. در سال ۸۷ من آنچمن دانشجویان و فارغ‌التحصیلان چوار را تأسیس کردم. نامه‌ای به علی کشایشان رئیس فدراسیون فوتبال نوشتم و چند مقاله‌نیز در چندسایت و نشریه چاپ کردم. با کمک جوانان این انجمن اولین مراسم را سال ۸۷ برای شهدای چوار برگزار کردیم. تیم هنرمنان با تیم بازماندگان حادثه چوار ۳۵ دقیقه بازی سال ۶۵ در صورت نمادین انجام دادند. سال ۹۰ مسپ بارت رئیس وقت فیفا به ایران آمد و در ملاقاتی که داشتیم این موضوع را به او گفتم. فدراسیون فوتبال اوایل با ما همکاری نمی‌کردند اما بعد از اینکه باز تاب رسانه‌ای این مسئله را دیدند همکاری کرده و واقعه چوار را در تقویم فدراسیون ثبت کردند. چندسالی است که فدراسیون برای واقعه چوار برنامه خاصی دارد. اسمال نیز هفته بیست و دوم لیگ برتر به نام شهدای چوار نام گرفته‌است. هزینه‌های هر مراسم‌ی که چوار برگزار می‌شود را خود مردم می‌پردازند. باین حال از علی کشایشان این انتظار را داشتیم در زمان ریاستش یک یادمان از طرف فدراسیون در چوار بسازد یا جام صلح و دوستی راه یاد شهدای چوار برگزار کند.

زمینی که شهدای فوتبالیست چوار در آنجا به شهادت رسیدند به ورزشگاه تبدیل شده‌است؟
بعد از گذشت ۳۰ سال تنها چیزی که درست کردند همان زمین چمن است و سکو‌ها و موزه شهدای ورزشکاری



کرند دقیقه ۵۵ از یادمان نمی‌رود

که قولش را داده بودند ساخته نشده است. البته این را هم بگویم که زمین فوتبال را پس از ۳۰ سال تازه چند ماهی است که مردم منطقه می‌توانند در آن بازی کنند. در حالی که با گذشت سه دهه زمین فوتبال چمن چوار می‌توانست یکی از ورزشگاه‌های ایران باشد. تقاضای ما از فدراسیون فوتبال این است که این حادثه را در فیفا ثبت کند. فدراسیون فعلی به شدت پیگیر این موضوع است به ویژه آقای تاج و ساکت پیگیری می‌کنند. خود ما هم پیگیر هستیم. به علاوه اینکه استنادبوم نوشتیم و چند مقاله‌نیز در سریع‌تر به بهره‌برداری برسد. سال ۸۹ آقای سعیدلو و آقای زربیانف به عنوان معاونان رئیس تیم چوار آمدند و قول‌هایی به ما دادند.ا ز جمله ثبت ملی ۲۲ بهمن، افتتاح موزه ورزشی در میدان خانی که قهرمانان فوتبال چوار و حتی گنمای ۴ – ۳ هزار نفری ولی هیچ کمک‌علمی نشد. تنها یک زمین چمن بود که بعد از ۳۰ سال درست کردند. اسمال تیم پیشکوتان پرسپولیس را به چوار بردیم و با بازماندگان آن حادثه بازی کردیم. در صورت نمادین انجام دادند. سال ۹۰ مسپ بارت رئیس وقت فیفا به ایران آمد و در ملاقاتی که چوار برگزار کردیم در چوار امکانات نیست و شورای تأمین نیز قبول نکرد تیم «شهدای چوار ۶۵» را هم تشکیل دادم و تلاش می‌کنم تا فوتبال آن چمنخانه نیز پیشرفت کند.

برای ثبت حادثه چوار در تقویم ملی هم تلاش کرده‌اید؟

با وزارت ورزش را بزینی کردیم که روز ۲۳ بهمن به عنوان روز شهدای ورزش سالن ساختن روز فوتبال و استخر تأیید شد. ولی متأسفانه شورای انقلاب فرهنگی این خواسته را نپذیرفت بلکه دکتر گودرزی نامه‌ای هم به این شورا نوشت. بود که هر حال جای روزی به نام فوتبال و صلح در تقویم خالی است. فوتبال محبوبیت زیادی دارد و از طریق همین ورزش می‌توانیم حتی مظلومیتمان در جبهه و جنگ را نشان دهیم و بگوئیم صدام فقط نظامی‌ها را هدف قرار نمی‌داده و فجایع بزرگی را مرتکب شده است.

معلم بی‌سر: مجتبی ناصری، دروازه‌بان منتخب چوار بود. او انتظار ضربه کرنر بازیکن حریف را می‌کشید برای مهار که حمله وحشیانه هواپیماهای عراقی اجازه زدن آن ضربه را نداد. مجتبی حین بمباران به میانه میدان می‌دود تا از مهلکه جان سالم، به‌هر برد که یکی از راکت‌ها سر از بندش جدایی کند بدن بی‌سر چند گام برمی‌دارد و برای همیشه سردویی‌روح نقش بر زمین می‌شود تا نهضت سوادآموزی چوار یکی از بهترین معلمان خود را از دست بدهد.

آخرین بوسه و وعده‌ای که عملی نشد: شهید زارعی، شش قبل یسه سیاه چادرها پیش پدر بزرگ و مادر بزرگش می‌رود. آنها‌سرا می‌کنند که شش را کنارشان صحیح کند اما او به خاطر مسابقه فردانمی ماند. ولی صورت چروکیده آنها را بوسیده و قول می‌دهد شوب بعد نزد آنها برود، بی‌آنکه بدانند این آخرین بوسه‌اوست. به گونه آنها و شش بعدی نیست که بخواد به قولش وفا کند.

پرواز به سوی برادر: محمد کمالوند ۹۶ ساله روز مسابقه دومین گل ایلام و آخرین گل عمرش را زد. او به دلیل برگزاری تمرینات در روستاهای مختلف نمی‌توانست در تمرینات شرکت کند و خیلی عجیب بود که با توجه به اصرار مربیان به رعایت نظم و انضباط، در این بازی به میدان رفت. پیش از این برادر محمد در منطقه عملیاتی ارونده به شهادت رسیده بود.

شهید پرپر در محوطه جریمه: جهنگیگر کلاه‌بازیکن تیم منتخب ایلام بود که لحظه بمباران زمین، برای زدن گل به محوطه جریمه می‌رود که قبل از گلزنی، به شهادت می‌رسد. کلاه که یکی از بهترین‌های فوتبالی ایلام بود کسب مقام اولی آموز‌شگاه‌های ایلام و قهرمانی استان را در کارنامه داشت.

باز گشت به دنیا: علی قیطاسی جانباز ۷۰ در صدی است که با یک معجزه به زندگی بازگشت. همه می‌گفتند او به شهادت رسیده است اما خانواده و فمیل اصرار داشتند که به بیمارستان اعزام شود. او ابتدا به کرمانشاه و سپس به تهران اعزام می‌شود و بعد از چهار ماه که کم از کم خارج شده و به هوش می‌آید. قیطاسی اما چیزی به یاد می‌آورد و بعد از بازگشت، ساک ورزشی‌اش را روی دوش انداخته و به خانه تلوکی می‌رود و سراغ یونس را می‌گیرد که با هم به فوتبال بروند و آنجاست که متوجه می‌شود در آن بازی چه رخ داده و رفیقش که همیشه با او بوده و به دوقلو‌های فوتبال مشهور بودند به شهادت رسیده است.

نگاه

سعید احمدیان

قهرمانانی که گمنام مانده‌اند

حادثه زمین فوتبال چوار و شهادت جمعی از فوتبالیست‌های کشورمان توسط رژیم بعث عراق در جریان جنگ تحمیلی، یکی از وقایع تلخ روزهای دفاع مقدس است؛ حادثه‌ای که بیشتر از قبل مظلومیت کشورمان را در جنگ تحمیلی حکومت وقت عراق علیه ایران نشان داد. با گذشت سال‌ها از فاجعه زمین چوار اما آنطور که باید به نظر می‌رسد حق این شهدای عزیز که مظلومه و در جریان یک بازی فوتبال با بمباران هوایی عراق به شهادت رسیدند ادا نشده و فوتبال ایران بیشتر از آن که به قهرمانانی مانند شهدای چوار ببالد، درگیر حاشیه‌ها و اتفاقاتی است که رنگ و بویی از اخلاق و جوانمردی ندارد. این در حالی است که شهدای چوار نشان دادند فوتبال بر خلاف روی زشتی که این روزها از خودش نشان می‌دهد، می‌تواند میدانی برای بر کشیدن و آسمانی شدن هم باشد. در حالی این روزها فوتبال کشورمان غرق در فساد و پرونده‌های گوناگون غیر اخلاقی و مالی است که جای خالی الگو‌هایی مانند شهدای فوتبالیست چوار به خوبی احساس می‌شود؛ شهدایی که فوتبال و ورزش را نه به خاطر قرار داد‌های میلیاردی که این روزها بسته می‌شود، بلکه تنها به دلیل علاقه‌ای که داشتند بازی می‌کردند و خلوصشان باعث شد تا در نهایت در زمین فوتبال به فیض شهادت هم برسند. فوتبال ایران نیازمند بازگشت به ارزش‌های اخلاقی و قهرمانانی مانند شهدای فوتبالیست چوار است.

با گذشت نزدیک به سه دهه از شهادت جمعی از فوتبالیست‌ها در زمین فوتبال اما سیستم مدیریتی حاکم بر فوتبال کشورمان نتوانسته است حق این شهدا و قهرمانان را به خوبی ادا کند و برنامه ویژه و تأثیر گذاری که بتواند یاد شهدای چوار را زنده کند، انجام نشده و کمک‌های فدراسیون فوتبال و باشگاه‌ها و همچنین متولیان ورزش کشورمان در این زمینه سبب شده تا شهدای چوار که نماد مظلومیت فوتبال ورزش ایران هستند، همچنان گمنام باقی بمانند و خیلی از فوتبالیست‌های ایرانی دربار‌ه این اتفاق تلخ اطلاعات چندانی نداشته باشند. این در حالی است که نیاز امروز فوتبال زنده نگه داشتن قهرمانان واقعی ورزش فوتبال یعنی شهدای مظلوم چوار است، مسئله‌ای که به طور قطع می‌تواند زمینه‌ساز تأثیرات زیادی از نظر معنوی و فرهنگی در فوتبال باشد و این ورزش را از هر گرفتاری اخلاقی‌هاست، به سمتی برد که عاری از فساد و مسائل ضد فرهنگی باشد. به هر حال قابل کتمان نیست به رغم وجود فوتبالیست‌هایی که داعیه‌دار ارزش‌ها در سطح این ورزش بر طرفدار هستند، روی‌ها و مسائل غیر اخلاقی نیز با توجه به ورود پول‌های بی‌رویه در این ورزش نفوذ کرده و سبب شده است تا بخشی از فوتبالی‌ها در مسیر مسائلی شوند که ضربات زیادی به حیثیت و اخلاق در عرصه این ورزش بزند تا جایی که نمایندگان مجلس با تحقیق و تفحص در فوتبال کشور، پرونده قطوری از فساد حاکم بر این رشته ورزشی تهیه کرده‌اند که نشان دهنده وضعیت نامناسب فرهنگی و اخلاقی حاکم بر فوتبال کشور است.

این مسئله بیشتر از همیشه به عملکرد مسئولان و مدیران فوتبال بر می‌گردد که اراده‌ای برای فعالیت‌های فرهنگی و اخلاقی در سطح فوتبال کشور نداشته‌اند و تنها به برگزاری برنامه‌های رویتن و نمایشی بسنده کرده‌اند؛ مسئله‌ای که نشان می‌دهد در سیستم مدیریتی فوتبال، مسائل اخلاقی و فرهنگی محلی از اعراب ندارد و تنها برای رفع مسئولیت به برنامه‌های دم‌مستی مانند صند بنر و لنداختن قفیه روی دوش بازیکنان اکتفا کرده‌اند. این در حالی است که به طور قطع با اولویت قرار دادن اخلاق و مسائل فرهنگی، فوتبال به حالتی می‌رسد که امروز‌سایر از بازیکنان و سواستفاده‌هایی که از بیت‌الحال می‌شود، به یک زخم چرکین در ورزش کشورمان تبدیل شود. زنده نگه داشتن و الگو قرار دادن شهدای حادثه چوار تنها می‌تواند یکی از برنامه‌هایی باشد که به سالم‌سازی فضای فوتبال از ناهنجاری‌هایی که بر آن حاکم است، کمک کند اما فوتبال با وجود داشتن چنین قهرمانانی که جانشان را مظلومانه، از هم در زمین فوتبال از دست دادند، به قهرمانان و الگو‌سازان فوتبال حاکم بر آن بازیکنانی است که برخی از آنها صلاحیت اخلاقی و فرهنگی لازم را ندارند. البته در سال‌های اخیر فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ در روز ۲۲ بهمن که گرمیاداشت حادثه چوار است، اقدام به برگزاری برنامه‌هایی کرده‌اند که به نظر می‌رسد مقطعی است و خروجی خاصی در فوتبال ندارد و تنها برای رفع مسئولیت است. در این بین از رسانه‌های ورزشی هم نباید غافل شد که کنار نام این قهرمانان و الگو‌سازان فوتبال چوار و حتی اصل حادثه گنمای یادکنکی فوتبالیست‌هایی می‌پردازند که برخی از آنها صلاحیت اخلاقی ندارند و این نشان می‌دهد که شهدای چوار همانطور که مظلومه شهید شدند، امروز هم بانی نوجویی مسئولان و اکثر رسانه‌ها مظلوم واقع شده‌اند؛ شهدایی که قهرمانان واقعی فوتبال هستند اما حششان ادا نمی‌شود.

بزرگان فوتبال و حادثه چوار

حرف‌های ناشنیده!

یکی از نکات تأسف‌آور حادثه زمین فوتبال چوار و شهادت جمعی از بازیکنان و تماشاگران ایلامی مغفول ماندن این حادثه از دیدر رسانه‌ها و حتی مسئولان ورزش کشور است.

حتی بسیاری از چهره‌های شناخته شده فوتبال کشور در خصوص اتفاق تلخ و این جنایت رژیم بعثی صدام در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۶۵ واکنش نشان داده‌اند و اظهار نظر کرده‌اند اما هیچ کیم از این صحبت‌ها و مغرضی‌های به درستی انعکاس پیدا نکرد. دست ناخشنودی زمین فوتبال چوار و حتی اصل حادثه همچنان مظلوم باقی بمانند به طوری که امروز هم بسیاری از مسئولان و فوتبالیست‌ها و ورزشی‌ها نمی‌دانند که در چوار چه گذشته است. آنچه در بی‌بی‌آی اظهار نظر‌های برخی از بزرگان فوتبال در مورد این حادثه است؛ اظهار نظر‌هایی که هر چند مربوط به سال‌های قبل است اما بسیار کم و ناچیز منعکس شده می‌تواند تلنگری باشد برای مسئولان ورزش کشور. خصوصاً فدراسیون فوتبال تا حداقل پس از گذشت سه دهه به این پنهان‌اندکی متوجه ورزش و فوتبال منطقه پر استعداد ایلام شوند.

بالاخر از ملیورن

مرحوم ناصر حجازی، دروازه‌بان بزرگ فوتبال ایران هر چند خیلی دیر از این ماجرا مطلع شد اما وقتی در بهمن ماه ۸۷ نقل آن را از زبان برخی دانشجویان ایلامی شنید، گفت: «متعجبم که چرا این واقعه اطلاع رسانی نشده، چرا مسئولان کاری انجام ندادند. این حادثه حتی از بازی ملیورن هم بالاتر است، این یک حماسه است. بازی بزر بمباران فقط گفتن آن ساده است، هرکاری که از دستم برآید برای این حماسه دریغ نمی‌کنم.»

تیم‌های بزرگ به ایلام بروند

علی پروین بازیکن بزرگ فوتبال کشور نیز در خصوص حادثه چوار می‌گوید: «تیم به منظور گرمیاداشت این شهدا و از یاد نرفتن آنها هر ساله جای خوب و بزرگ که به ایلام بروند و مقابل تیم‌های ایلام به شهرهای گوناگون سفر کنند تا این واقعه در دناک همیشه در ذهن‌ها باقی بماند. فدراسیون فوتبال هم باید در سال‌روز این شهیدان مسابقه‌ای بزرگ برگزار کند.»

باز باید جهانی‌شود

آقای گل فوتبال جهان بارها و بارها در حرف‌ها و اظهار نظر‌هایش با ارج پنهان در مقام شامخ شهدا، امنیت و آرامش امروز حاکم بر کشور را مرهون جانفشانی‌های آنها عنوان می‌کند. دایی در مورد شهدای زمین فوتبال چوار می‌گوید: «فدراسیون فوتبال ورزش کشور این حماسه ورزشی را در سطح جهان انعکاس دهند. ما بهتر از شهدا الگویی نداریم و باید آنها را به خوبی معرفی کنیم.»

در برابر شهدا چیزی نیستیم

مجید نامجو مطلق ملی پوش تکنیکی سسال‌های دور فوتبال و پیشکسوت استقلال و پرسپولیس می‌گوید: «واقعه چوار یک رویداد نادر ورزشی است و باید بیش از این‌ها مورد توجه قرار گیرد، نمی‌دانم چه نامی باید برای روز ۲۳ بهمن ۶۵ پیدا کنیم، هیچ چیز نمی‌توان گفت. ما در برابر این شهیدان عزیز و دیگر شهدا هیچ چیز نیستیم. این‌ها الگو‌های واقعی هستند و من امیدوارم بتوانم پیام آنها را به درستی ابلاغ کنم.»

راه‌شهدا را ادامه می‌دهیم

وحید هاشمیان خود برادر شهید است، فوتبالیست خوش اخلاق تیم ملی، پاس و پرسپولیس هر چند سال‌های زیادی را در آلمان به سر برد و اکنون نیز برای طی دوره‌های حرفه‌ای مربیگری در این کشور به سر می‌برد اما هیچ گاه ارزش شهدا، فرهنگ شهدا و فرهنگ شهادت را از یاد نبردده است. هاشمیان می‌گوید: «همه ما مدیون خون شهدا هستیم و در قبال فداکاری‌های آنها وظیفه سنگینی داریم، به شهدای فوتبالیست زمین چوار ادای احترام می‌کنم و به خانواده بزرگوار آنها می‌گویم که در حد توان راه فرزندانشان را ادامه می‌دهیم.»

می‌خواهم چوار را ببینم

عقاب آسیاست اما وقتی از واقعه چوار و شهادت فوتبالیست‌های ایلامی حرف می‌زند سرا پابین می‌اندازد و خطاب به مسئولان ورزش کشور می‌گوید: «باید تلاش کنید با یاد این شهیدان همیشه زنده بماند.» احمدضراعلی‌زاده ادامه می‌دهد: «دوست دارم از نزدیک زمین چوار را ببینم و با خانواده شهدای آن دیدار داشته باشم. باید همه ساله در این محفل مسابقه‌ای بزرگ به یادبود این بزرگان شود.»